گفت‌وگوی «جوان» با یک رزمنده دفاع‌مقدس پیرامون حضور در آبادان محاصره شده

دشمن در ۱۰۰ متری ما بود اما ترسی از او نداشتیم

■ علیرضا محمدی

۱۸مهر ۱۳۵۹، نیروهای ارتش بعث عراق از کارون عبور کردند و با استقرار در جاده آبادان به اهواز، حلقه محاصره آبادان را تنگ‌تر کردند. مهرماه برای این شهر مرزی یک ماه خاطره‌انگیز است، چراکه یک‌سال پس از محاصره آن در مهر ۱۳۶۰ و طی عملیات ثامن‌الائمه(ع) حصر آبادان شکست و این شهر از خطر سقوط رهایی یافت. در گفت‌وگو با رحیم صادقی از رزمندگان حاضر در آبادان، مروری بر خاطرات و شرایط آن روزهای این شهر انداختیم که در ادامه می‌خوانید.

پالایشگاه آبادان بارها از سوی بعثی‌ها بمباران شد

وقتی از محاصره آبادان صحبت می‌شود، می‌بینیم که در مقاطعی رزمندگان به این شهر ورود و خروج می‌کردند، این محاصره به چه نحو بود و امکان رفت و آمد به شهر از چه طریقی میسر بود؟

آبادان در بین رودخانه‌های اروند، کارون و بهمنشیر محاصره شده بود. اگر می‌گوییم جزیره آبادان، به خاطر همین است که بین این چند رودخانه قرار دارد. عراق در ۱۸ مهر ۵۹ از کارون عبور کرد و در دو منطقه مارد و سلیمانیه پل‌های شناوری ایجاد کرد. با عبور از این پل‌ها آنها آمدند و بخشی از جاده اهواز به آبادان را اشغال کردند. خیلی از مردم که می‌خواستند از طریق این جاده به اهواز بروند در همین جا به اسارت درآمدند. آن زمان به دلیل آشفتگی جبهه‌ها و ضعف اطلاع‌رسانی که وجود داشت، خیلی از مردم و حتی رزمندگان نمی‌دانستند که دشمن دقیقاً کجا قرار دارد و حد پیشروی‌اش تا کجاست. در ۱۸ مهر ۵۹ هم همین ضعف اطلاعات و آشفتگی خطوط درگیری باعث غافلگیری مردم و اسارت تعداد قابل‌توجهی از آنها از سوی نیروهای بعثی روی جاده اهواز- آبادان شد. در پاسخ به سؤال شما هم باید بگویم که به رغم محاصره آبادان از طریق بهمنشیر و عبور و مرور مخفیانه لنج‌ها امکان رفت‌وآمد به شهر وجود داشت. البته این کار به سختی صورت می‌گرفت و زمان زیادی برای رسیدن به شهر یا خروج از آن صرف می‌شد.

شهید تندگویان وزیر وقت کشورمان هم در اینجا به اسارت در آمد؟

شهید ۹ آبان ۵۹ اسیر شدند و منطقه‌ای که به اسارت درآمدند در روی جاده ماهشهر به آبادان بود. بعثی‌ها بعد از اینکه جاده اهواز- آبادان را اشغال کردند، کمی بعد به سمت جاده آبادان به ماهشهر رفتند و با استقرار در شمال آبادان در ساحل بهمنشیر مستقر شدند. همان عامل ضعف در اطلاع‌رسانی که البته ناشی از شرایط خطیر اوایل جنگ تحمیلی بود، باعث شد که شهید تندگویان متوجه اشغال این بخش از جاده ماهشهر به آبادان نشود. در اینجا هم باز تعدادی از مردم به اسارت دشمن درآمدند و مهندس تندگویان به خاطر اینکه به سایرین آسیب نرسد، خودش را معرفی می‌کند و بعد دوران بی‌خبری از ایشان و سپس شهادت مظلومانه‌شان در دست بعثی‌ها رقم می‌خورد.

گفتید که از طریق بهمنشیر می‌شد به آبادان دسترسی پیدا کرد، اما بعثی‌ها در ساحل رودخانه نبودند، پس چطور امکان داشت که رزمندگان از بهمنشیر عبور کنند و خود را به داخل شهر برسانند؟

بهمنشیر ۹۰ کیلومتر طول و حدود ۶۰۰ کیلومتر عرض دارد. بعثی‌ها هرچند در شمال بهمنشیر مستقر شده بودند، اما به دلیل طول و عرض زیاد این رودخانه که بسیار هم پرآب است، نمی‌توانستند تسلط کامل به آن داشته باشند. به همین خاطر لنج‌ها یا قایق‌ها به صورت خیلی مخفیانه و با حرکت آرام می‌توانستند به داخل شهر رفت‌وآمد کنند. البته در برخی از مواقع جنگنده‌های دشمن در منطقه گشت‌زنی می‌کردند و اگر لنجی را روی شط می‌دیدند آن را مورد اصابت قرار می‌دادند. اینطور هم نبود که کسی بخواهد راحت به شهر بیاید و راحت هم خارج شود. سختی بسیاری داشت. آمدن به شهر از ماهشهر که فاصله زیادی با آبادان ندارد، یک روز تمام طول می‌کشید. در روشنایی روز بسیار پرمخاطره بود و تردد معمولاً شب‌ها صورت می‌گرفت. لنج‌ها از ماهشهر به خلیج‌فارس می‌رفتند و از آنجا وارد بهمنشیر می‌شدند و بعد خلاف جهت آب را به آهستگی می‌راندند و خودشان را به آبادان می‌رساندند.

> آبادان و خرمشهر پیش از شروع جنگ تحمیلی دچار فتنه خلق عرب شده بودند. غیر از این گروه جدایی‌طلب که البته گروه عمده‌ای هم بودند و از طریق برخی روحانیون مثل شیخ شبیر خاقانی حمایت می‌شدند، گروهک‌های چپ و منافقین هم در آبادان حضور داشتند. حتی شهر را تقسیم‌بندی کرده و قبل از شروع جنگ تحمیلی هر کدام قلمروی برای خودشان داشتند

وضعیت شهر در شرایط محاصر آن چطور بود؟

تا قبل از سقوط خرمشهر و تا همان روز ۱۸ مهرماه که بعثی‌ها از کارون گذشتند و آبادان را محاصره کردند، جوانان آبادانی و رزمندگانی که از مناطق دیگر به شهر آمده بودند به خرمشهر می‌رفتند و آنجا با دشمن درگیر می‌شدند. بعد از محاصره آبادان، خیلی از این رزمنده‌ها مجبور شدند که خرمشهر را تخلیه تا از سقوط آبادان جلوگیری کنند. از ۲۴ مهر هم که بعثی‌ها یک بمباران وسیعی در خرمشهر راه انداختند، تقریباً کار خونین شهر تمام شده به حساب می‌آمد. بنابراین بچه‌های رزمنده روی آبادان متمرکز شدند. قبل از محاصره کامل آبادان، خیلی از مردم از شهر رفته بودند. حق هم داشتند چون آبادان از طریق اروند، فقط چند صد متر با عراق فاصله دارد و دشمن با سلاح‌های سبک هم می‌توانست آبادان را مورد هدف قرار بدهد. با محاصره شهر دیگر نمی‌شد به راحتی از آن خارج شد. شهر از لحاظ تأمین آذوقه در مضیقه قرار داشت. گاهی یک لنج می‌آمد و گروه‌هایی از رزمندگان یا گروه‌های امدادی و پشتیبانی، همینطور کمی آذوقه با خودشان می‌آوردند.

به نظر شما در بحث محاصره آبادان چه نکات مغفول مانده‌ای وجود دارد؟

خیلی از مردم فکر می‌کنند که مشکل آبادان صرفاً مقابله با دشمن بعثی بود. یا مسائل و مشکلاتی که محاصره آبادان به این شهر تحمیل کرده بود، اما در داخل خود شهر ستون پنجم بسیار آزاردهنده بود. آبادان و خرمشهر پیش از شروع جنگ تحمیلی دچار فتنه خلق عرب شده بودند. غیر از این گروه جدایی‌طلب که البته گروه عمده‌ای هم بودند و از طریق برخی روحانیون مثل شیخ شبیر خاقانی حمایت می‌شدند، گروهک‌های چپ و منافقین هم در آبادان حضور داشتند. حتی شهر را تقسیم‌بندی کرده و قبل از شروع جنگ تحمیلی هر کدام قلمرویی برای خودشان داشتند. لذا در محاصره آبادان این ستون پنجم باعث آزار مردم و رزمندگان می‌شدند. البته با حمله عراق بعثی به کشورمان، گروهک‌ها دیگر نمی‌توانستند علناً عرض اندام کنند، ولی به صورت مخفیانه عمل می‌کردند و فضا را آلوده می‌ساختند.

چه مدتی در آبادان حضور داشتید؟

من قرار بود یک دوره ۱۰۰ روزه آنجا باشم، اما بیشتر ماندم و تا زمان مجروحیتم در زمستان ۵۹ در جبهه آبادان فعالیت می‌کردم. بعد که براثر اصابت ترکش خمپاره دشمن مجروح شدم، یک مدتی در بیمارستان طالقانی بستری شدم و بعد من را به ماهشهر فرستادند و از آنجا هم به تهران برگشتم. اردیبهشت سال ۶۰ دوباره به خوزستان برگشتم، اما دیگر نتوانستم به آبادان برگردم.

> مواجهه با محاصره آبادان از مقاطع بسیار درخشان دفاع مقدس بود. گروه سیدمجتبی هاشمی (فدائیان اسلام)، بچه‌های اصفهانی که بیشتر در ایستگاه ۷ آبادان مستقر بودند. نیروهای سپاه خود شهر که بسیار فعال و تأثیرگذار بودند. بچه‌های سپاه خرمشهر که بعد از سقوط خونین شهر به آبادان آمده بودند و... همگی یک جمع بسیار دوست‌داشتنی و تکرار ناشدنی را در آبادان ایجاد کرده بودند

در عملیات شکست حصر آبادان هم حضور داشتید؟

بله در این عملیات حضور داشتم، اما در همان اولین ساعات شروع عملیات دوباره مجروح شدم و این بار وضعیتم به قدری بغرنج بود که تا زمان آزادسازی خرمشهر نتوانستم به منطقه برگردم. البته عرض کنم که خبر شکست حصر آبادان را هم در بستری مجروحیت شنیدم.

چه خاطراتی از دوران حضور در آبادان محاصره شده، دارید؟

در دوران محاصره آبادان، گروه‌هایی از رزمندگان از نقاط مختلف کشور خود را به این شهر می‌رساندند. در جمع رزمنده‌ها افرادی که حضور پیدا می‌کردند، بانوان نیز دیده می‌شدند. حتی یک عده از بانوان به عنوان بهیار و نیروهای امداد و درمان به آبادان آمدند که برخی از این عزیزان مجبور شدند اسلحه به دست بگیرند و از بیمارستان‌هایی که مأمور شده بودند، محافظت کنند. تعدادی از اهالی شهر که باقیمانده بودند، بسیار رفتار خوبی با بچه‌های رزمنده داشتند و از هیچ تلاشی برای پذیرایی و خدمت به رزمنده‌ها دریغ نمی‌کردند. مقطع محاصره آبادان از مقاطع بسیار درخشان دفاع‌مقدس بود. گروه سیدمجتبی هاشمی (فدائیان اسلام)، بچه‌های اصفهانی که بیشتر در ایستگاه۷ آبادان مستقر بودند. نیروهای سپاه خود شهر که بسیار فعال و تأثیرگذار بودند. بچه‌های سپاه خرمشهر که بعد از سقوط خونین شهر به آبادان آمده بودند. رزمندگانی از شهرهای مختلف همگی یک جمع بسیار دوست‌داشتنی و تکرار ناشدنی را در آبادان ایجاد کرده بودند. جنگ هم تازه آغاز شده بود و در نبود تسلیحات مناسب، بچه‌ها به نیروی ایمان اتکا داشتند. یک صفایی وجود داشت که شاید در مقاطع دیگر جنگ ما چنین صفا و چنین جمعی را نمی‌دیدیم. با اینکه شهر در محاصره کامل بود و حتی عراقی‌ها یک‌بار سعی کردند از بهمنشیر عبور کنند و از طریق کوی ذوالفقاریه شهر را کاملاً اشغال کنند، ولی تا آنجا که من یادم است، کسی در داخل آبادان از سقوط کامل آن یا کشته و اسیرشدن از سوی دشمن بیم نداشت. در برخی نقاط دشمن در ۱۰۰متری ما بود، اما ترسی از او نداشتیم. انگار قدرت ایمان ما از تمام بمباران و گلوله‌باران و عده و عدد آنها بالاتر بود. بعضی از احساسات را نمی‌شود بیان کرد. باید آن را حس کرد و تا آنجا که می‌شود، آن شور و حال را به نسل‌های دیگر منتقل کرد.

برخی مردم در شرایط حصر آبادان همچنان در شهر زندگی می‌کردند

خاطره

از شهید دریاقلی سورانی به عنوان ناجی آبادان یاد می‌شود

آبادان در سال اول جنگ

شهری که هیچ‌وقت مقابل دشمن تسلیم نشد

■ غلامحسین بهبودی

بندر آبادان در یک‌سال اول جنگ در خط مقدم درگیری‌ها قرار داشت. چندبار تا آستانه اشغال پیش رفت، اما هیچ‌وقت مقابل دشمن سر خم نکرد. این شهر در نقطه صفر مرزی قرار دارد و تنها از طریق اروندرود با عراق فاصله دارد. آبادان تا پایان جنگ تحمیلی در شرایط جنگی و عملیاتی قرار داشت و در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ نیز بخشی از محورهای عملیاتی به شمار می‌رفت. با هم نگاهی به اهمیت استراتژیک این شهر و وقایع سال اول دفاع‌مقدس در آن می‌اندازیم.

■ آباد و پرجمعیت

بندر آبادان در دهانه خلیج‌فارس (ساحل اروند) هم به لحاظ تجاری اهمیت دارد و هم به خاطر وجود تأسیسات عظیم پالایشگاه نفت از موقعیت استراتژیکی برخوردار است. در جنگ جهانی دوم یکی از اهداف انگلیسی‌ها تصرف این شهر و تسلط به پالایشگاه نفت آبادان بود. با شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۵۹ نیز عراق تلاش زیادی کرد تا آبادان را تصرف کند. خرمشهر در جوار این شهر چهارم آبان ۵۹ سقوط کرد، ولی آبادان هرچند به محاصره کامل درآمد، اما تا یک‌سال مقاومت کرد و پس از آن طی عملیات ثامن‌الائمه(ع) حصر آبادان شکست و این شهر از خطر تصرف قطعی رهایی یافت.

جمعیت آبادان در زمان حمله عراق بیش از ۴۰۰هزار نفر بود. (در حالی که خرمشهر نصف این شهر جمعیت داشت.) با وجود پالایشگاه نفت، تأسیسات بندری و مراودات تجاری و... آبادان یک شهر پررونق، آباد و با جمعیت قابل ملاحظه بود که دشمن سعی می‌کرد با تسلط بر آن برتری خود را در جبهه خوزستان تثبیت کند، اما آبادان هرگز تسلیم نشد و هیچ‌وقت در برابر دشمن سر خم نکرد.

> روستای مدن در شمال شرقی آبادان قرار داشت که پیش از شروع جنگ تحمیلی، دو تپه مصنوعی در مجاورت این روستا درست شده بود. بعثی‌ها با استقرار روی این تپه‌ها سعی داشتند به مدافعان آبادان مسلط شوند. بنابراین رزمندگان در داخل شهر چند تلاش برای عقب راندن دشمن از روی این تپه‌ها انجام دادند. شهید موذنی در این خصوص بسیار فعال بود

■ ماجرای کوی ذوالفقاریه

بعثی‌ها اگر به آبادان مسلط می‌شدند، می‌توانستند آرزوی دیرینه خود، یعنی تسلط بر دو سوی اروندرود را کامل کنند. به همین جهت تلاش بسیاری کردند تا بلکه بتوانند به داخل این شهر نفوذ کنند. ۹ آبان ۵۸ و در حالی که بعثی‌ها چهار روز قبل خرمشهر را اشغال کرده بودند، تلاش کردند تا با عبور از بهمنشیر وارد این شهر بشوند. در دو سوی ساحلی که آنها می‌خواستند از آن طریق وارد شهر شوند، نخلستان وجود داشت و این پوشش گیاهی می‌توانست سربازان بعثی را از دید رزمندگان محفوظ کند، اما یکی از اهالی شهر به نام دریاقلی سورانی که در ذوالفقاریه اوراق فروشی می‌کرد، عراقی‌ها را می‌بیند و رزمندگان را از خطر حضور آنها مطلع می‌سازد. به این ترتیب عملیات عراق در کوی ذوالفقاریه با شکست رو به رو می‌شود.

■ عملیات شهید موذنی

روستای مدن در شمال شرقی آبادان قرار داشت که پیش از شروع جنگ تحمیلی، دو تپه مصنوعی در مجاورت این روستا درست شده بود. بعثی‌ها با استقرار روی این تپه‌ها سعی داشتند به مدافعان آبادان مسلط شوند. بنابراین رزمندگان در داخل شهر چند تلاش برای عقب راندن دشمن از روی این تپه‌ها انجام دادند. شهید موذنی در جمله فرماندهانی بود که تلاش می‌کرد عملیاتی در تپه‌های مدن انجام بدهد. هرچند موفق نمی‌شود، اما تلاش‌های او اولین قدم‌ها برای بازگردن گره محاصره آبادان بود. در طول یک‌سال محاصره این شهر هم از سوی رزمندگان و هم از طرف دشمن چند عملیات انجام گرفت. بعثی‌ها سعی در ورود به شهر داشتند و رزمندگان می‌خواستند آنها را به عقب برانند. نهایتاً در عملیات ثامن‌الائمه(ع) که پنجم مهر ۱۳۵۹ صورت گرفت، حصر آبادان شکست و دشمن برای همیشه از این شهر گریخت و دیگر حتی نزدیک آبادان هم نشد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۱۳۸

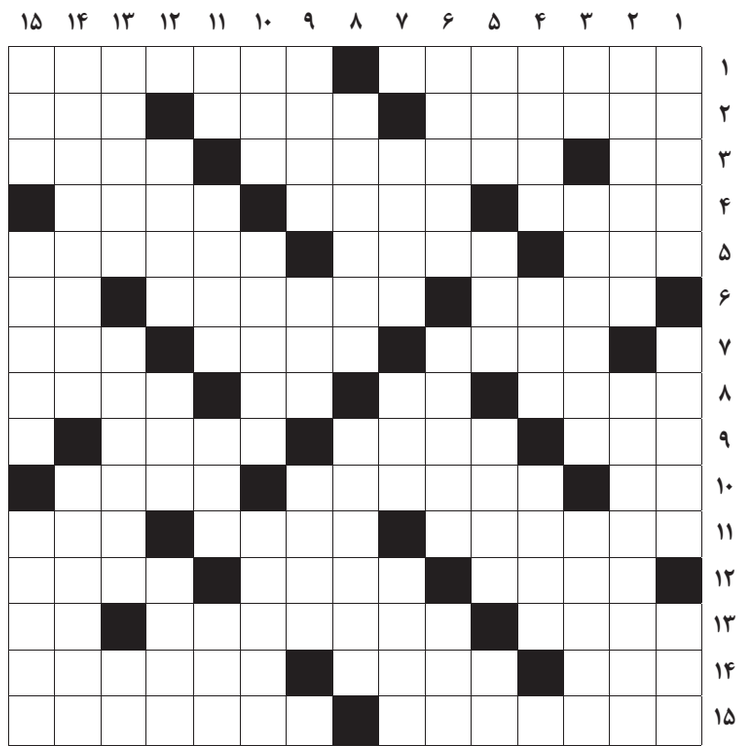

از راست به چپ

■ ۱- پرجمعیت ترین کشور همسایه- انتقال فوتبالی ■ ۲- بررسی وضع بیمار- شکم باره- از حبوبات ■ ۳- درخت بی بر- نوعی شیرینی با آرد برنج- تیر دروازه ■ ۴- صمیمی- کلبه ترکمنان- حمله و هجوم ■ ۵- موی گردن شیر- سرخ رنگ- قمیص ■ ۶- آنی- نوعی دیگ- ضمیر غایب ■ ۷- آمدن- هیزم- چین و شکن ■ ۸- تبرئه شده- علامت مفعول- تصدیق فرانسوی- از تیم های شهر برلین آلمان ■ ۹- خرس آذری- از نخست وزیران قاجاری و پهلوی- نویسنده فرانسوی قرارداد اجتماعی ■ ۱۰- جدید- دروازه بان تیم ملی برزیل در جام های جهانی ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸- قهرمان تورانی ■ ۱۱- پذیرش سیاسی- پسر خورشید در اوستا- ماهی ■ ۱۲- زعفران- امتیازی در جودو- نام قدیم تایلند ■ ۱۳- روحانی مصری- علمدار خونین‌شهر- رمق آخر ■ ۱۴- وصله ناپیدا- قفل چوبی- مسخره کردن ورزشی ■ ۱۵- خوشنویس معروف دربار شاه عباس- کوه استان ایلام

از بالا به پایین

■ ۱- شهر سوخته ایتالیا- هرآینه- رنگ بخشش ■ ۲- گوشه‌نشینی برای عبادت- شرح احوال و تذکره ■ ۳- ویتامین جدولی- شجاعت- پلیس راهنمایی و رانندگی ■ ۴- کشوری جزیره‌ای در اقیانوس هند- تزویر- شهرنشینی ■ ۵- کم پشت- حجب و آزرم- شاه مغولی- اندک ■ ۶- جاذبه سیاحتی مصر- از داروهای مسکن- ترک وطن ■ ۷- پاره پاره- صدویازده- پیروان موسی (ع) ■ ۸- خازن- شهر دریاچه زریوار ■ ۹- محلی برای عزاداری- دریاچه ای در خرم آباد- اما ■ ۱۰- منطقه ای صنعتی در آلمان- فلاتی در آسیا- بخشش ها ■ ۱۱- سرخ کمرنگ- روش و سنت- میان‌برنامه- چهره ■ ۱۲- مدت زمان معین- گرگ بیابان را نوشت- معنی دیگر فوتبال ■ ۱۳- گندمگون- کشور زاگرب- سخن صریح ■ ۱۴- درجه حرارت- رنجر ■ ۱۵- حسادت- حرکت پاندولی- برگشت تیر

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۵	۱		۶			
	۴		۵		۹			
۹							۷	
			۳		۵			
۱		۷						۶
۶		۳						۹
				۳	۸	۴	۱	
				۴		۳		
	۸							

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۱۳۷

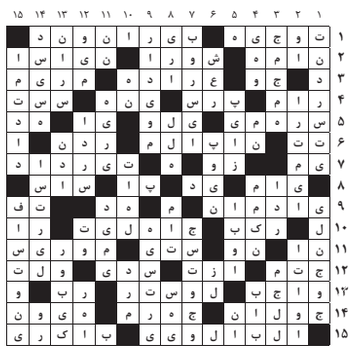

۸	۶	۵	۱	۵	۴	۷	۲	۳
۷	۵	۳	۸	۶	۳	۱	۶	۴
۴	۶	۲	۷	۳	۸	۵	۱	۷
۶	۲	۸	۳	۱	۷	۴	۵	۸
۵	۴	۷	۶	۸	۲	۳	۷	۱
۱	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۲	۶
۷	۸	۶	۲	۴	۱	۵	۳	۲
۳	۷	۱	۴	۲	۵	۶	۸	۵
۲	۱	۵	۶	۷	۳	۸	۴	۷